مستقل
دوشنبه ■ ۱۹ تیر ■ شماره ۱۸۶
E-mail: mostagheldaily@gmail.com

اعلام‌نظر هیأت منصفه مطبوعات درباره همشهری جوان و بانی فیلم

جلسـه رسیدگی به پرونده‌های همشهری جوان و بانی فیلم روز یکشـنبه ۱۸ تیر ماه در شعبه ششم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی شقاقی برگزار شد. به گزارش ایسنا، در این جلسه به پرونده مدیرمسئول مجله همشهری جوان به اتهام توهین و با شکایت گروه خودروسازی سایپا رسیدگی شد که پس از پایان جلسه، هیأت منصفه وارد شور شد و مدیر مسئول این مجله را مجرم تشخیص داد و مستحق تخفیف دانست.

همچنین به پرونده مدیر مسـئول روزنامه بانی فیلم به اتهام نشـر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و با شکایت روح الله شمقدری رسیدگی شد که پس از پایان جلسه دادگاه، مدیرمسئول این روزنامه مجرم شناخته شد.

سخن روز

کاهش اقبال عمومی به‌سمت جریان اصولگرایی

علی رحمانی – روانشناس و حقوقدان

سؤالی که در سال‌های اخیر برای همه ما بارها مطرح بوده و هست، این است که چرا و به چه دلیل با وجود اینکه اصولگرایان همواره از سوی نهادهای حاکم و قدرتمند و مصون از نقد و تخریب ، و استفاده کامل از رسانه ملی مورد حمایت و تقویت استراتژیکی می‌باشند و از هرشیوه‌ای برای احراز مشروعیت خود استفاده می‌نمایند تا در افکار عمومی کسب مقبولیت نمایند، اما هر بار ناکام مانده‌اند.

نظر نگارنده براین است که اصولاً آن‌ها بیشتر سعی کرده‌اند مبانی و مواضع طیف مقابل را با قیاس به مواردی ازجمله مؤلفه‌های فکری و راهبردی که درادامه خواهند آمد به چالش بکشند، ولی اکثریت مردم این موارد را بازی سیاسی ، حربه و سناریوی تخریب حریف، و نوعی عوام فریبی برای تصاحب قدرت تعبیر کرده ، بنابراین دست حریف را خوانده‌اند.

مواردی که اصولگرایان درمقابل اصلاح‌طلبان به آن اشاره میکنند عبارتند از:

۱–ضعف مبانی فکری و عقیدتی
۲– غرب‌گرایی وگرایشات سکولاری
۳ –انفعال و تسلیم و بزدلی نسبت به تشردشمنان
۴ – اعتماد به گفتار و رفتار وتاکتیک دشمنان
۵–فقدان روحیه انقلابی
۶– ارتباط با ضد انقلاب و غیره خودی‌ها و دشمنان داخلی و خارجی
۷– نداشتن روحیه جهادی ومبارزه
۸– ضعف ولایت مداری و عدم تمکین فرامین او و...

اما شواهد عینی و شرایط موجود درجامعه این گونه مؤلفه‌های توهمی و ساختگی را وقعی نمی‌نهد و بلکه حکایت از آن دارد که همواره ناکام و مایوس و مطرود اکثریت مردم بوده و به عبارتی اکثریت به این سـلوک آن‌ها نگاه منفی داشته و نحوه نگاه آن‌ها به اصلاح‌طلبان را مردود دانسته و اکثریت ملت هربار با پاسخ شفاف آرای خویش آن‌ها را به حاشیه رانده و از دستیابی و سلطه بر اهداف سلطه جویانه و مناصب اجرایی محروم نمـوده و به نوعی اکثریت مردم آن‌ها را ناصالح و ناکارآمد به تصدی ارکان جامعه اسلامی دانسته‌اند.

این تراژدی تکراری و شکسـت‌های پی در پی از آرای مردم آنچنان تلخ و رمق‌گیر بوده که یکی از علل روانی روی‌آوری آن‌ها به انواع تهمت‌ها و توهین‌ها و بداخلاقی‌ها نسبت به جناح مقابل نیز میباشد، تا جایی‌که مجالی برای تعریف و توجیه آن‌ها باقی نگذاشته، مگر تمکین به خواست و اراده ملت.

مضافاً آنکه جریان اصلاح‌طلبی ازسوی اتاق‌های فکر و فرمان این تشکیلات باسابقه آن هم باحمایت پیوسـته رسانه‌ای و میدانی صریحاً و تلویحاً در انظار عمومی سیاه‌نمایی شده و به‌عنوان خطر و تهدید برای مسیر آینده انقلاب تلقی می‌شوند و به شدت در گستره وسیع مورد هجمه و فشار و تضییقات قرار می‌گیرند و عرصه را بر آن‌ها تنگ نموده و سعی شده آن‌ها را از هرگونه مانور و دفاع منصفانه محروم نگاه دارند، اما اصولگرایان هرچه در این راستا تلاش بیشتری کردند ولی با بی‌اعتنایی و اقبال کمتری از سوی مردم روبرو گشته‌اند. و این تلاش بیهوده نشان دهنده این است که اکثریت مردم فهم و درک بالایی دارند و حق و ناحق راخوب تشـخیص میدهند و با عقلانیت ، منطق و انسـجام و نه براساس تعصبات ازنظام وکشورشان در برابر هر بحرانی به نحو احسن دفاع خواهند کرد.

اما اصلاح‌طلبان عقیده دارند که این نحوه سلوک و نگاه طیف اصولگرایان به آن‌ها نوعی جزئی‌نگری بوده و به‌دور از واقعیت و کاملاً بی انصافی اسـت. اصلاح‌طلبان عقیده دارند که اولاً در شرایط کنونی تنها گروه اندکی از اصولگرایان بر این اصول ابراز شده و شعارهایی که سر می‌دهند پای بندند. توضیح آنکه آن‌ها بدانند اگر به شیوه‌های غلط و دوقطبی کردن جامعه بیشتر متوسل شوند درآینده وضعیتشان از این هم بدتر خواهد شد. و شاید شایستگی‌های برخی ازآن‌ها بااین رفتارهای نابخردانه درحاشیه بماند، درحالی‌که می‌تواند د رمسیر توسعه کشور به‌کارگرفته شود.

مضافـاً اینکه اکثریتی از طرفداران فعلی آن‌ها، فریب ظواهر عنوان اصولگرایی را خورده‌اند و در آتی سیر قهقرایی و کاهش اقبال عمومی مواجه‌اند.

البته برخی از مدعیان اصولگرایی تظاهر می‌کنند . عده‌ای هم استفاده ابزاری می‌کنند . حتی عده‌ای نفوذی بوده و برای تخریب این جریان اصیل ورود کرده و با نقاب و نفاق برای مقاصد شومی که دارند، پرچم این جریان را بر افراشته‌اند .

متأسفانه رأس هرم این تشکیلات نسبت به پالایش و تهذیب آن‌ها بی توجه است و این جریان فعلاً از دو مقوله آسیب می‌بیند و رنج می‌برد

۱. قشری‌نگری به مقوله دین و ارزش‌ها
۲. تعصبات خشک، خودشیفتگی و عدم پذیرش نقد وتعامل

اصلاح‌طلبان عقیده دارند که اکثریتی از اقبال عمومی مردم به آن‌ها بر اسـاس فهم درست ملی از مواضع و نحوه عملکرد و محاسبات و برداشت معقول آن‌ها از واقعیات موجود و تطبیق بر مبانی مشروع بوده و بخش عمده‌ای از این اقبال نیز اعتماد مردم به سوابق و صداقت و یک‌رویی و تدبیر و عقلانیت و مواضع منطقی و مدبرانه آن‌ها و تایید مشی آن‌ها بر اساس (عزت، حکمت و مصلحت) بوده است.

اصلاح‌طلبان هم قبول دارند که اگرچه شـاید افراد و عناصری نفوذی و با مقاصدی خاص در درون تشکیلات اصولگرایان باشند و یا قصد نفوذ و تخریب جریان آن‌ها را داشته باشند، اما معتقدند این جریان هرگز به‌دنبال سوء استفاده و فریب افکار عمومی مردم نبوده و نیست، و به صرف عملکرد سوءِ مقطعی عده‌ای معدود نباید در شرایطی خاص این جریان میمون مورد بی‌مهری قرار گیرد .

جریان اصلاح‌طلبی هم‌اکنون هدف اصلی خویش را اصلاح نابسامانی‌های داخلی و تعامل عزت‌مندانه و تعالی بخش در عرصه خارجی قرار داده و تمام قد این هدف را بر اسـاس مبانی روشـن و مشخص خود یعنی نظام سیاسی مبتنی بر جمهوری اسلامی و تشکیل تمدن جهانی اسلام و تسلیم پرچم آن به حضرت ولی عصرعج با فرامین، احکام انوراسلامی، ایمان، پشتوانه مردمی و هدایت حکیمانه رهبرمعظم انقلاب به پیش ببرد و مغرور و مقهور پیروزی نشـود چراکه هدف غایی و عالی صرفاً باید خدمت به ملت و عزت و سربلندی کشور باشد.

با آرزوی سربلندی ایران اسلامی و کشوری آباد

خبر

بهرام پارسایی سخنگوی فراکسیون امید مجلس:

روحانی جز ملت به هیچ کس بدهکار نیست

نماینده مردم شیراز در مجلس گفت: انتخابات علاوه بر حمایت از نظام، صحنه رقابت جریان‌های سیاسـی بود. جریان مغلوب باید به نتیجه انتخابات احترام بگذارد و از دو قطبی کردن جامعه پرهیز کند.

به گزارش ایسنا، بهرام پارسایی در نطق میان دستور مجلس شورای اسلامی، گفت: حضور ۴۰ میلیونی مردم پای صندوق‌ها، رأی به نظام و ضامن بقاء آن است.

نماینده مردم شـیراز در مجلس افزود: مردم ایران نشان دادند می‌توانند الگوی مردم دیگر کشورها باشند. ۲۴ میلیون رأی، نه به روحانی بلکه به شعارها، پیمان و وعده‌های روحانی بود. رأی به روحانی نه به سـیب‌زمینی دیروز، مـردم فریبی و دادن کارانه و افزایش یارانه بود.

سخنگوی فراکسیون امید مجلس ادامه داد: آقای روحانی؛ ۲۴ میلیون رأی شما، رأی به سیاسـت، روابط خارجی، برداشتن تحریم‌ها، برجام و رأی به حوزه سلامت بود. در شعارهای انتخاباتی شما، تعامل با دنیا و برداشتن بقیه تحریم‌ها و آزادی بود.

وی هشـدار داد: با حساسیت فعلی منطقه اگر از روحانی، پیروزی بر غول بیکاری و خاموش کردن آتش منطقه را خواهانیم باید اجازه داد ایشـان در چیدمان کابینه، آزاد باشد.

سخنگوی فراکسـیون امید مجلس افزود: به روحانی درود می‌فرستم چون در برابر تمامی ناملایمات ایسـتادگی کرد. مظلومیت شـما دل هر آزاده‌ای را به درد می‌آورد تا جایی که در روز قدس به شـخص شـما، معاون اول رئیـس جمهور و نمایندگان مجلس توسط افرادی که از هر پاسخگویی مصون هستند، توهین شد. توهین‌ها نشان دهنده نپذیرفتن رأی ملت است. نتیجه مشارکت ۴۰ میلیونی مردم ویترین جمهوریت و اسلامیت در ایران است که این نابخردان به راحتی آن را خدشه دار کرده و کشور را به سمت دو قطبی پیش بردند و توجهی به مسائل نظام نکردند.

پارسـایی متذکر شد: جهانیان شاهد بودند که مردم با تبدیل حامی روحانی‌ام به ترند اول جهان به عهد خود با روحانی پایبند هستند و او را تنها نمی گذارند.

وی خاطرنشـان کرد: آقای روحانی، مظلومیت شما در کابینه نیز شنیده شد. این را بدانید که به جز ملت و ۲۴ میلیون رأی گفتمانی، به هیچ کس بدهکار نیستید.

نماینده مردم شـیراز در پیشـنهادی در خصـوص ترکیب کابینه دولت دوازدهم، گفت: وزرای جوان دانا در کنار پیران کارا، کابینه‌ای منسجم، گفتمانی و کارا هرگز دچار لکنت نمی‌شود. وزرای توانمند و قدر کابینه فعلی را در کابینه بعدی هم حفظ کنید. آقای روحانی تیم اجرایی‌ات را محکم ببند. همه نگاه‌ها معطوف راسـتی‌آزمایی وعده‌های داده شـده و پیمان منعقد شده است. دامنه تغییرات ۵۰ درصدی با شاخص گفتمانی و هماهنگی با شخص جنابعالی حداقل انتظار از شماست.

علی شکوری راد دبیر کل حزب اتحاد ملت ایران:

در اختلاف شورای سیاست‌گذاری با خاتمی، جانب شورا را می‌گیرم

چگونگی تنظیم و ارائه لیست امید در انتخابات شورای شهر پنجم تهران با اما و اگرهای فراوان همراه بوده است. بالاخره بعد از فشـار مضاعف جامعه رسانه‌ای یکی از اعضای شورای عالی سیاسـت‌گذاری اصلاحات توضیحی در خصوص شکل گیری این لیست ارائه داده است. علی شکوری راد در مصاحبه با روزنامه ایران در مورد انتخابات ریاسـت جمهوری و شورای شـهر دیدگاه‌های خود را بیان کرده است. دیدگاه‌های وی در مورد انتخاب ریاسـت جمهوری پیش از این نیز رسانه‌ای شده و همگان ازآن اطلاع دارند. بنابراین در اینجا فقط آن بخش از مصاحبه که به چگونگی شـکل‌گیری لیست امید شورای شهر اختصاص دارد در اینجا باز نشر می‌گردد.

با گذشت بیش از یک ماه و نیم از اعلام نتیجه انتخابات شورای اسلامی شهر تهران، هنوز مباحث انتقادی درباره عملکرد شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان مطرح است؛ شما این انتقادها را وارد می‌دانید؟

این‌که اصلاح‌طلبان توانسـتند فهرسـت واحد ارائه کنند و پای آن فهرسـت هم ایسـتادند و عملاً طوری رفتار کردند که فهرسـت‌های فرعی هم نتوانست به فرآیند انتخاباتی‌شان لطمه وارد کند، یک پیروزی بزرگ است. اول باید این پیروزی را شناخت و به شـورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان و هیأت رئیسه آن دست مریزاد گفت.

یعنی انتقادها به عملکرد شـورای سیاست‌گذاری را وارد نمی‌دانید؟

چرا. برخی از انتقادات وارد هسـتند؛ امـا در مجموع اولاً خروجی شورای سیاست‌گذاری، خروجی موفقیت آمیزی بوده است، ممکن است برخی به فرآیند انتخاب نامزدها انتقاد داشته باشـند؛ اما به اعتقاد بنده، هم طراحی فرآیند مناسب بود و هم بخـش اعظمی از فرآیند خوب انجام شـد. در لحظات پایانی، تعدادی از گزینه‌ها بالا و پایین شدند و دلخوری‌ها و نگرانی‌ها پیش آمد.

لحظات پایانی یعنی چه زمانی؟

روز سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه بود که فهرست بسته شد؛ از صبح آن روز فرآیند بسـتن فهرسـت در کمیته هفت نفره و هیأت رئیسـه دنبال شـده و به مرحله‌ای رسید که شورای عالی سیاسـت‌گذاری رأی نهایـی را بدهـد؛ در این فرآیند اعمال نظرها و نفوذهایی شـد، امـا این‌ها مواردی نبود که از قبل پیش‌بینی نشود و احتمال آن می‌رفت، اما فکر می‌کردیم دامنـه آن محدود بماند. با توجه بـه محدودیت زمان پس از تصمیم هیأت رئیسه کار در همان روز به صحن شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان آمد و با رأی این شورا، قضیه تمام شد. طراحی اینکه شورای عالی سیاست‌گذاری در همان جلسه اول به فهرسـت نهایی برسـد، طراحی درستی بود، اما برخی اسـامی تدارک شده برای رقابت و رأی‌گیری قابل قبول نبود، مثلاً در شـورای عالی سیاسـت‌گذاری برخی اسامی را برای نخستین بار شنیدیم.

می‌شود جزئی‌تر بفرمایید...

فهرسـتی که هیأت رئیسه شـورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان تدارک دیده بود، شـامل اسامی نامزدها از یک سـنخ و به تعداد دو برابر مورد نیاز بود و ما باید رأی می‌دادیم، اگـر چنین کاری نمی‌شـد به معنای آن بود که آن شـب به فهرست واحد نرسیدیم و بالطبع شب‌های پس از آن هم روی فهرست واحد اجماع به‌دسـت نمی‌آمد. اینکه شورای عالی به فهرستی واحد برسـد کار درستی بود، اما همان طور که گفتم اسم بعضی از نامزدها را برای نخستین بار می‌شنیدی، مثلاً نام خانم میرسـادو را من برای نخستین بار شنیدم که در فهرست مقابـل خانم امانی قرار داده بودند و هـر دو هم از کارگزاران بودند.

مقابل خانم آروین چه گزینه‌ای بود؟

مقابـل خانم آروین، خانم رضایـی از اعضای حزب اتحاد ملت و جمعیت زنان مسلمان نواندیش بود، البته اسم ایشان در حزب اتحاد ملت هسـت؛ اما فعالیتش در اتحاد نبود. در نهایت خانم آروین با رأیی کمی بیشتر انتخاب شد.

خانم آروین که عضو اتحاد هستند.

خیر. این حرف درستی نیست.

با پیشنهاد چه کسی در فهرست آمدند؟

برای گذاشتن خانم آروین در فهرست پیشنهاد خاصی نبود؛ اما آقای جلایی‌پور به‌عنوان اسـتاد ایشـان در دانشکده علوم اجتماعی، ایشـان را معرفی کردند. اما این گونه نبود که آقای جلایی‌پور برای حضور ایشـان نقشی داشته باشند چون اصلاً آقای جلایی‌پور در شـورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان نیست. یک باکس دیگر خانم بهروز آذر با خانم فخاری بودند. خانم بهروزآذر عضو شـورای مرکزی حزب اتحاد ملت ایران بود. هر چند خانم فخاری عضو اتحاد هم بود، اما نماینده حزب عدالت و آزادی در شورای عالی سیاست‌گذاری بود. حال چون ایشـان یک زمانی عضو حزب اتحاد ملت بوده، حضور ایشان را به پای اتحاد می‌نویسـند و نمی‌گویند ایشان نماینده رسمی حزب عدالت و آزادی در شورای عالی سیاست‌گذاری است.

معیارهای تقسیم‌بندی اسامی بر چه اساسی بود؟

اسامی براسـاس عوامل تخصص، جنسیت و جوان بودن تهیه شـده بود و رقبـا در این مختصات باید بـا هم رقابت می‌کردنـد. شـورای عالی قبلاً برای زنان و جوانان سـهمیه گذاشته بود.

از این شیوه سهمیه‌بندی دفاع می‌کنید؟

به هر حال توافق شـده بود و آن را قابل دفاع می‌دانم، نه آنکه مطلقاً بگوییم درست بود. اما اگر این شیوه دنبال نمی شد، به فهرست نمی‌رسیدیم. یعنی اگر ۴۲ نفر را معرفی می‌کردند و می‌گفتند شما به ۲۱ نفر رأی دهید، حتماً ترکیبی که به‌دست می‌آمد، نقص بیشـتری می‌داشت. معتقدم رسیدن به فهرستی که مثلاً دو برابر بهتر از فهرسـت شورا باشد، ممکن نبود؛ اما می‌توانسـت مثلاً ۱۵ درصد بهتر باشـد. ۱۵ درصد هم عدد زیادی نیست که به خاطر آن، کل کار را تخطئه کنیم.

چـرا این امکان نبـود؟ گزینه‌های خـوب زیادی از فهرست جاماندند.

یک زمان، یک فرد، کاندیداها را تعیین می‌کند، مثلاً رئیس جمهوری می‌خواهـد کابینه بچیند؛ ایـن قابل تصمیم‌گیری است. اما شورای عالی سیاست‌گذاری یک ترکیب بیش از ۴۰ نفره است که برای رأیشان هم لزوماً استدلال ارائه نمی‌کنند؛ رأی را می‌نویسد و در صندوق می‌اندازد؛ رأی‌دهندگان نیاز به ارائه اسـتدلال ندارند و مقید نیستند از آن دفاع کنند. شما در چنین جمعی هیچ گاه نمی‌توانید به شـرایط صددرصد مطلوب آن هم ازهمه نظر برسید. اصلاً امکانپذیر نیست.

ایراد کار چه بود؟

ایراد کار، جمعی بودن کار اسـت. در کار جمعی نمی‌توانید ذهن همه را یکی کنید. ذهن‌ها متفرق اسـت و در این شرایط شـما نمی‌توانید بهترین گزینش‌ها را انجام دهید. شناخت‌ها و رویکردها متفاوت اسـت و اساساً امکان ندارد. اگر شما به یک حزب می‌گفتید که فهرست ببندد، حتماً فهرست بهتری بسته می‌شد، اگر به رئیس شورا گفته می‌شد شما به تنهایی فهرست را ببند، ممکن بود فهرست جامع‌تر از این بسته شود.

خرد جمعی که باید نتیجه بهتری داشته باشد.

خرد جمعی فسـاد کمتری دارد و پایدارتر است؛ اما نتیجه آن لزوماً بهتر نیسـت. اگر به رئیس دولت اصلاحات می‌گفتیم شما فهرست ۲۱ نفره را ببندید، حتماً فهرست بهتری به‌دست می‌آمد. چون همه محاسـبات را انجام می‌داد و مشورت‌ها را داشـت و در نهایت انتخاب می‌کرد، امـا وقتی جمعی بالغ بر ۴۰ نفر می‌خواهد تصمیم بگیرد نه مشورت‌ها کارساز است،نه محاسبات، دقیق. وقتی فهرسـت در یک جمع ۴۰ نفری با رأی‌گیری بسته می‌شود، آرا شـمرده می‌شود؛ دیگر نمی‌شود کسی را بازخواست کرد که چرا به این فرد رأی دادی؟ حتی کسی ملزم نیست آشکار کند به چه کسی رأی داده است.

با این اوصاف موافق هستید کار شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان تداوم داشته باشد؟

شورای سیاست‌گذاری دوم و مأموریت آن انتخابات ریاست جمهوری و شـوراها بـود. مأموریت و کار این شـورای عالی سیاسـت‌گذاری خاتمه یافته اسـت و باید گزارش خود را به رئیـس دولت اصلاحات ارائه کند و بازخورد بگیرند و ایشـان در مـورد اینکه در آینده چه روشـی دنبال شـود، نظر دهند. همه برای رئیـس دولت اصلاحات به‌عنـوان رهبر اجماعی اصلاح‌طلبان این اختیار را قائل هسـتند که کمک کند ساز و کار سیاست‌ورزی مشترک در میان اصلاح‌طلبان شکل بگیرد، به خاطر همین شورای عالی سیاست‌گذاری اول و دوم تشکیل شد و همه به آن تمکین کردند.

قبول دارید که نتیجه انتخابات را نمی‌توان به موفق بودن عملکرد شورای عالی سیاست‌گذاری مرتبط دانست؛ حتماً تأثیر داشت اما این ادعا مطرح اسـت که هر لیست۲۱ نفر دیگری بسته می شد، با حمایت رئیس دولت اصلاحات و اصلاح‌طلبان پیروز بود. از طرف دیگر به نظر می‌رسـد همان اضطراری که شـما را به بستن لیست و رئیس دولت اصلاحات را به حمایت رساند، رأی‌دهندگان را هم به رأی دادن ناچار کرد، اما سؤال‌ها همچنان باقی است.

برخی ایرادها درسـت اسـت و همچنان وجـود دارد، اما معنایش آن نیسـت که اگر به این ایرادهـا و انتقادات توجه و پاسـخ داده می‌شد، به فهرسـت بهتری می‌رسیدیم. اساساً رسیدن به لیستی که همه رضایت داشته باشند ممکن نبود. به نظر من لیست، قابل دفاع است اما بهتر از این نیز می‌توانست باشد، البته بر همان نظر هسـتم که درنهایت ۱۵ درصد و در حد همان دو سه نفری که نظر رئیس دولت اصلاحات هم بود.

شورای عالی سیاست‌گذاری در انتخابات مجلس با بضاعت کم، لیسـت ۳۰ نفره بسـت. آن موقع هم در فهرست، افراد ناشناخته‌ای بودند اما همه مجاب شده بودند که با توجه به رد صلاحیت‌ها، بستن فهرستی بهتر از آن بسیار دشوار بود. الان حامیان اصلاحات با همه انتقادهایی که به روند تصمیم‌گیری و نامزدها داشـتند، به این فهرست رأی دادند، اما هنوز مجاب نشده‌اند؛ بحث مجاب شدن است نه راضی شدن...

در انتخابات مجلس شـورای اسـلامی هم در لیستی که شـورای عالی سیاسـت‌گذاری اصلاح‌طلبان بسته بود دو نفر جابه‌جا شـدند؛ چون اختیار به هیأت رئیسـه شـورای عالی سیاست‌گذاری داده شده بود. رئیس دولت اصلاحات اعتراض کرد و در شـب آخربه نظر انتقادی ایشـان توجه و دو نفر که از فهرست حذف شده بودند به فهرست برگشتند. در انتخابات شوراها با آنکه رئیس دولت اصلاحات به فهرست انتقاد داشت، اما قابلیت اعمال نظرهای ایشان وجود نداشت.

کدام افراد با نظر ایشـان برای فهرست امید مجلس تغییر کردند؟

فکر کنم آقایان علیرضا رحیمی و فرید موسـوی را شـب آخر حذف کرده بودند که ایشـان اعتراض کردند و به فهرست بازگشتند.

فهرسـت نامزدهای شورای شـهر تهران چه زمانی برایشان ارسال شد؟

همان زمان خبر برای ایشان رفت. رئیس دولت اصلاحات به دلیل اینکه برخی انتقادها به ایشـان منتقل شد، نسبت به فهرسـت مسئله داشتند و تا روز دوشنبه صبح یعنی ۶ روز بعد از بسته شدن فهرسـت، از تأیید فهرست خودداری کردند؛ اما قابلیت تغییر در فهرست وجود نداشت.

به دلیـل اینکه فهرسـت مصوب صحن شـورای‌عالی سیاست‌گذاری بود و تشکیل جلسه شورای عالی سیاست‌گذاری برای اعمال نظرات ایشـان عمـلاً امکان‌پذیر نبود؛ در نهایت ایشان مجاب شد از همان فهرست حمایت کند.

مجبور شدند یا مجاب شدند؟

مجاب شـدند که حمایت کنند. دیدند امکان بهتر شـدن فهرست نیست.

چه انتقادی به فهرست داشتند؟

در مورد دو سه نفر حرف داشتند. برای اینکه چرا با توجه به ویژگی‌های ممتازشان در فهرست قرار نداشتند.

چه افرادی؟

آقای مصطفی سلیمی، آقای تندگویان و نفر سومی هم بود که من اطلاع ندارم چه کسی بود.

واکنش شورای عالی سیاسـت‌گذاری به انتقاد ایشان چه بود؟

شـورا دیگر جلسه‌ای نداشت. وقتی ایشان اعتراض خود را به آقای عارف منتقل کرد، آقای عارف به جای اینکه مسئله را حل و فصل کنند، کار را رها کردند.

چرا جلسه اضطراری تشکیل نشد؟

مکانیسمی وجود نداشت و از ابتدا این پیش‌بینی نشده بود که اگر ایشـان بر گزینه خاصی نظر داشت چگونه ترتیب اثر داده شود. حتی اگر شـورای عالی سیاست‌گذاری می‌خواست نظرات ایشان را لحاظ کند، مکانیسمی برای آن وجود نداشت. با تأمین نظرات ایشـان هم لزوماً فهرست مورد رضایت همه قرار نمی‌گرفت.

چطور می‌شود یک تشـکیلات و یک جمع انتخاباتی برای اعمال نظر لیدرش تمهیدی نداشته باشد؟

چون ایشـان تأکید می‌کردند من اصـلاً دخالت نمی‌کنم، حتی درباره ترکیب شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان هم مسئولیت را از خود پس می‌زدند و می‌گفتند خودتان افراد حقیقی را تعیین کنید. محلی برای مداخله خود نگذاشته بودند. البته در شـورای‌عالی افرادی هم بودند کـه می‌گفتند وقتی ایشان تمایلی ندارند چرا ما اصرار کنیم.

می‌دانستید که به حمایت ایشان نیاز دارید؟

اینکه شـورای عالی سیاسـت‌گذاری از ایشان درخواست حمایت از فهرسـت را داشته باشد، اصلاً انجام نشده بود. شما به مکانیسم‌ها توجه نمی‌کنید.

پس چرا فهرست را برایشان فرستادند؟

ایشان از فهرست مطلع شدند؛ شورا نفرستاد. شورای عالی سیاسـت‌گذاری نه موظف بود و نه این کار را انجام داد. طبق پیش‌بینی‌ها قرار نبود این کار انجام شود، اما حمایت و تأیید یا رد فهرست توسـط آقای خاتمی به یک انتظار عمومی تبدیل شـد و ایشان به آن انتظار پاسخ دادند نه به درخواست شورای عالی سیاسـت‌گذاری اصلاح‌طلبان. جامعه از ایشان این سؤال را داشت که این فهرست را حمایت می‌کنید یا خیر؟ ایشان هم موظف به حمایت از فهرست نبود و می‌توانست سکوت کند. اما پس از سؤال‌های مکرر و در پاسخ به جامعه و مردم خود اعلام نظر و حمایت کردند. نظر ایشـان بر رد کامل فهرست نبود و فقط نسبت به نبودن دو سه نفر در آن اعتراض داشتند. ایشان مجاب شدند نمی‌شود این دو سه نفر را در فهرست برد. ایشان هیچ گاه نگفتند فهرست بد است. من درباره اختلاف رأی بین ایشـان و شورای عالی سیاست‌گذاری، جانب شورا را می‌گیرم. فکر می‌کنم اگر شـورا بر نظر خود پافشاری نمی‌کرد فهرست واحد از دست می‌رفت و انتخابات شوراها را باخته بودیم.

فکر می‌کنید اگر حمایت ایشـان نبود، فهرست پیروز بود؟

مـن می‌گویم ایـن نتیجه شـگفت انگیز کـه ۲۱ نفر با اختلاف نسبت به نفرات بعد رأی بیاورند، بدون حمایت ایشان دسـت یافتنی نبود، اما فهرسـت پیروز می‌شد. البته در چنین فضایی مردم سـرخورده می‌شدند و این تشـتت در انتخابات ریاست جمهوری هم تأثیرگذار بود، حتی آن حماسه انتخابات ریاسـت جمهوری هم تحت تأثیر قرار می‌گرفت. اگر هر کدام از انتخابات شـوراها یا ریاست جمهوری می‌لنگید، آن یکی را متأثر می‌کرد. از دلایلی که رئیس دولت اصلاحات ادامه فضای غبارآلود را به صلاح ندید همین بود. این انتظار هم خود به خود جهش بعدی را ایجاد کرد. انتظار متراکم شده با حمایت رئیس دولت اصلاحات برآورده شد و جهش بعدی را رقم زد و کارکرد مثبت پیدا کرد. با حمایت ایشـان یک‌باره همه احساس کردند غبار فضا زدوده شد، فضا شفاف شد و نشاط جدیدی در فضای انتخابات فوران کرد.

چرا این مباحث در بستن فهرست امید مجلس پیش نیامد؟

از ابتدا در شـورای عالی سیاست‌گذاری به این جمع‌بندی رسـیدند. در مجلس هم اعتراض درونی وجود داشـت، اما به بیرون درز نکرد. در انتخابات شـوراها چـون فراخوان دادند و نامزدهـای شـاخص زیاد بودند، بحث خیلی عمومی شـد. فراخوان اشـتباه بود. با این حال تا رسـیدن به ۱۵۰ نفر خوب پیش آمد از ۱۵۰ نفر به ۴۲ نفر مشکل پیش آورد.

سخنگوی هیات رئیسه مجلس، احتمال معرفی کابینه دوازدهم همزمان با مراسم تحلیف خبر داد

بهروز نعمتی با بیان این‌که فرصت کافی برای تصویب لایحه تفکیک سه وزارتخانه وجود دارد، از احتمال معرفی کابینه دوازدهم از سوی رییس‌جمهوری همزمان با مراسم تحلیف خبر داد.

به گـزارش دیده بان ایران؛ بهروز نعمتی با اشـاره به آخرین وضعیت لایحه اصلاح بخشـی از ساختار دولت یا همان لایحه تفکیـک وزارتخانه‌ها و احتمال طرح آن در صحن علنی تا پیش از معرفی کابینه دولت دوازدهم اعلام کرد: به هر حال ایـن لایحه ابتدا به‌صورت دوفوریتی در صحن مطرح شـد که در صحن علنی مجلس رأی لازم را به‌دسـت نیاورد اما درنهایت یک فوریت آن به تصویب مجلس رسید.

او گفـت: درپـی تصویب یک فوریـت لایحه اصلاح بخشـی از سـاختار دولت یا همان لایحه تفکیک سـه وزارتخانه «ورزش و جوانان»، «صنعت، معدن و تجارت» و «راه و شهرسـازی» در صحن، این لایحه برای انجام اقدامات قانون‌گذاری به کمیسیون‌های مربوطه ارجاع شد و هم‌اکنون کمیسـیون‌ها باید نظرات دولت، نمایندگان، مرکز پژوهش‌ها، کارشناسـان، نخبگان و دانشگاهیان را دریافت کند و پـس از اعمال این نظرات، لایحه را برای تصویب نهایی مجدداً به صحن علنی ارجاع کند.

سخنگوی هیات رییسه مجلس شورای اسلامی با بیان این‌که هنوز کمیسـیون‌های مربوطه به جمع‌بندی نهایی در رابطه با این لایحه نرسیده‌اند، خاطرنشان کرد: طبیعتاً پس از آن‌که کمیسـیون‌ها به جمع‌بندی نهایی رسیدند، لایحه برای تصویب نهایی به صحن آمده و مراحل نهایی تصویب لایحه به انجام می‌رسد.

یادداشت روز

بحران اندیشه در ایران

جواد شقاقی – روزنامه نگار

اندیشـه و بحران همزاد هم‌اند؛ اندیشیدن بحران می‌آفریند و بحران، با اجبار به اندیشیدن، اندیشیدن را بازتولید می‌کند. ریشه‌های سیاست را باید در ارتباط میان این دو پدیده جست‌وجو کرد. پویایی و نشاط جوامع به وجود همزمان این دو رویداد بستگی دارد. نمی‌توان جامعه‌ای را متصور شد که این دو رخداد همزمان با هم در آن موجود نباشند؛ اگر اندیشیدن در جامعه وجود داشته باشـد و بحران نباشد، لابد آن اندیشیدن، اصیل نیسـت؛ اگر هم یک جامعه حالت بحرانی داشـته باشد و اندیشیدن در آن صورت نگیرد، باید فاتحه آن جامعه را پیشاپیش خواند. جست‌وجوی ریشه‌های سیاست در میان این دو رویداد، به این معنی‌ست که سیاست از نقطه‌ای شـروع می‌شـود که تفکر آغازیدن می‌گیـرد؛ آن زمانی که شروع به اندیشیدن می‌کنی، دست به عملی سیاسی می‌زنی؛ پیشاپیش روابط و مناسـبات موجود را اگر قبول کنی، نیازی به اندیشیدن نیست؛ می‌توانی کورکورانه تقلید کنی اما به محض اینکه شـروع به اندیشیدن می‌کنی، شیوه‌های دیگری از حیات را می‌توانی متصور شوی؛ سویه‌ای دیگـر از اندیشـه را بنیان نهی و راه دیگری از زندگـی را فراروی خود ببینی؛ این‌چنین است که خطر می‌کنی و به تجربه‌های جدید فرا خوانده می‌شـوی؛ به سفری دور و دراز و پرهراس گام می‌گذاری؛ شب و روزت را گم می‌کنی و ممکن است از هر ناکجا آبادی سر درب‌یاوری؛ دل را که به دریا می‌زنی، می‌روی و می‌روی بلکه به جایی برسـی اما هیچ ساحل آرامشـی وجود ندارد؛ از تکه و پاره‌های شبانات چارچوبی برای خودت می‌سازی و کم‌کم زندانی اندیشه‌ات می‌شوی؛ تا زمانی که باز دلت از این قفس تنگ بگیرد و دوباره هوای پرواز بر سرت بزند؛ و باز روز از نو و ...؛ باز هر آنچه را که داری، وامی‌نهی و برای تجربه‌های جدید خطر می‌کنی و قدم در یک راه بی‌بازگشت می‌گذاری.

اندیشه‌های دوران‌ساز همیشه از دل بحران‌ها و تلاطم‌های اجتماعی برمی‌آینـد. برعکس آنچه که همیشـه تصور می‌شـود، امنیت و تفکر قرابتی با هم ندارنـد. بحران‌ها و به‌هم ریختگی‌های اجتماعی، ذهن را به اندیشیدن وامی‌دارند تا دوباره نظمی نو را برای واقعیات درهم و برهم بجوید؛ و باز سیاست از اینجا شروع می‌شود.

بحران‌های اجتماعی و سیاسی هر انسانی را که اندک تعهدی نسبت به حیات جمعی و جامعه داشـته باشد، مجبور به اندیشیدن می‌کنند. هر کسی از زاویه دید خودش به علت بحران و طرح و نظمی که جامعه باید داشته باشد، نظر خاص خودش را دارد؛ هر آن کسی که بتواند دیگران را نسبت به دیدگاهش متقاعد کند، در سامان آینده جامعه نقش مطلوب‌تری خواهد داشت. اما این همه در درجه اهمیت پایین‌تری هستند تا نسبت به خروج جامعه از شرایط بحرانی و اضطراری. پویایی جامعه بستگی به این دوره‌های بحران و نظـم مقطعی دارد. اما گاهی پیش می‌آید که جامعه در شـرایط بحرانی و اضطراری باشد، اما اندیشیدن در آن به محاق رفته باشد. بحران‌ها اگر همراه با اندیشیدن در موردشان نباشند، جامعه را از پای درمی‌آورند. جامعه امروز ما در یک چنین شـرایطی به سـر می‌برد؛ بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی دارند جامعه‌مان را از پای درمی‌آورند اما هیچ اندیشـه و تفکری جهت رفع و کنترل این بحران‌ها صورت نمی‌گیرد؛ این امر می‌تواند یا نشـان از این باشد که امید برای ادامه حیات این جامعه از دست رفته است، و یا اینکه ما نسـبت به آینده خودمان بیش از حد امیدواریم و احسـاس می‌کنیم بنیان‌های این جامعه با نیروهای متافیزیکی حفظ می‌شوند.

خبر

حکم دوسال حبس امیرمهدی جلایری،مدیر کانال تلگرامی در استان خراسان جنوبی

به گـزارش الان نیوز امیرمهدی جلایری روزنامـه نگار و دبیرحزب اراده ملت شاخه خراسان جنوبی، مسئول ستاد انتخاباتی اصناف خراسان جنوبی دکتر روحانی در دور اول انتخابات ریاسـت جمهوری، همچنین عضوشورای سیاست گذاری اصلاح طلبان خراسان جنوبی و مدیر کانال اراده خراسـان جنوبی، الآن نیوز ،کانال عرفان ابن عربی و گروه اراده ، پس از شکایت اطلاعات سپاه انصارالرضا به‌تاریخ ۹۵/۱۲/۲۰ به دلیل ابراز مخالفت با تحصن ائمه جمعه اسـتان خراسان جنوبی علیه دولت اعتدال در گروه و کانال خودش(اراده ملت و اراده خراسان جنوبی) از برج۱۲سال پیش به اتهام اقدام علیه امنیت ملی و نشـر اکاذیب ، احضار و جلب به دادرسـی ، توسط دادستان کل استان احضار و پس از ارجاع به دادرسی، تشـکیل پرونده و چندین جلسه محاکمه نهایتا ، توسط قاضی قاسمی و قاضی خسروی، تبرئه اما توسط قاضی شیری، به دوسال زندان محکوم گردید که پس از واخواهی جلایری ، عیناً حکم قبلی قاضی شـیری دال بر محکومت دوسال حبس برای این فعال سیاسی و رسانه‌ای تایید گشته است.

ادعای یک مقام پاکستانی؛

ایران سه راکت به سمت پاکستان شلیک کرده است

یکی از مقامات منطقه پنجگور در ایالت بلوچستان در مرز ایران و پاکستان در اظهاراتی مدعی شـد: روز شنبه گارد مرزی ایران سه راکت را به سمت سرزمین‌های پاکسـتان در منطقه «پاروم» شلیک کرده است. به گزارش ایلنا، پایگاه خبری «نیشن» پاکستان مدعی شد روز شنبه گارد مرزی ایران سه راکت را به سمت خاک پاکستان در منطقه «پاروم» شلیک کرده است. «جابر بلوچ» معاون کمیسیونر منطقه پنجگور در غرب ایالت بلوچستان در گفت‌وگو با «نیشن» ضمن تأیید این خبر مدعی شده که این حادثه روز شنبه اتفاق افتاده است.

به گزارش «نیشـن»، «بلوچ» به تعداد کشته‌ها یا خسارت وارد شده به واسطه این شلیک هیچ اشاره‌ای نکرده است.

این پایگاه خبری پاکستانی مدعی شد: راکت‌ها به محض فرود آمدن در این ناحیه منفجر شده و موجب ترس ساکنان این منطقه شده‌اند؛ مناطق مجاور پنجگور و چاگای در نزدیکی مرز ایران و پاکستان بارها شاهد شلیک راکت توسط ایران بوده است و این مسأله اعتراض شدید طرف پاکستانی را در پی داشته است. به گزارش ایلنا این ادعا در حالی مطرح شده که چندی پیش در مرز ایران و پاکستان در منطقه میرجاوه حادثه تروریستی رخ داد که منجر به شهادت ده تن از مرزبانان کشورمان شد. در پی این حادثه محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه ایران در راس یک هیات عالی رتبه نظامی–سیاسی–انتظامی–امنیتی به اسلام‌آباد سفر کرد و با مقامات عالی رتبه این کشور دیدار و گفت‌وگو داشت. سردار محمد باقری رئیس ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نیز در پی این حادثه گفته بود: ادامه این وضع در مرزهای مشـترک، برای ما قابل تحمل نیست و انتظار داریم مقامات پاکستان مسئولیت‌پذیری و کنترل مرزها و دستگیری و تحویل تروریست‌ها را انجام داده و پایگاه‌های آن‌ها را در آن کشور تعطیل کنند و در صورت ادامه تعرضات، مأمن و مخفیگاه تروریست‌ها در هر کجا با ضربات ما مواجه خواهد شد. همه این اظهارات در حالی مطرح شده که مسئولان ایران هنوز این خبر مورد تأیید قرار نداده‌اند.